

کارگران جهان متحد شوید!

کسوف
15

ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
شماره ۱۹۷ مهر ماه ۱۴۰۰ - ویژه کنگره هفتم



- اطلاعیه پایانی کنگره هفتم
- گزارش سیاسی به کنگره هفتم
- قطعنامه ها
- اطلاعیه برگزاری پلنوم اول شورای مرکزی منتخب کنگره هفت



اسناد کنگره هفتم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی!

اطلاعیه پایانی برگزاری کنگره هفتم سازمان اتحاد

فدائیان کمونیست

کارگران و زحمتکشان، پیشگامان جنبش های انقلابی

بدینوسیله با اطلاع می رسانیم که اجلاس کنگره هفتم سازمان اتحاد فدائیان کمونیست در آستانه صد و چهارمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر با موفقیت به کار خود پایان داد. چند ماه قبل از اجلاس رسمی کنگره هفتم، تدارک نظری کنگره آغاز شد. در این مدت بیش از ده سمینار درونی و بیرونی برگزار گردید. در این سمینارها حول هر قطعنامه و پیشنهادهای ارائه شده نظرات موافق و مخالف به بحث و دیالوگ پرداختند تا تدوین کنندگان قطعنامه ها بار دیگر آنها را بازبینی و اصلاح کرده و برای بررسی دوباره به سمینار بعدی ارائه کنند و سرانجام هر یک از قطعنامه ها و پیشنهادات بعد از طی مراحل تعیین شده آماده ارائه به اجلاس کنگره گردیدند.

آغاز کار کنگره : کنگره با سرود انترناسیونال و گرامی داشت یاد و خاطره رفقای جانبخته و تمام جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم کار خود را آغاز کرد. ابتدا هئیت رئیسه کنگره انتخاب شد و متعاقب آن شورای مرکزی قبلی استعفای خود را تقدیم کرد. سپس آئین نامه اداره جلسات کنگره به رای گذاشته شد و بعد از تائید شرکت کنندگان کنگره با سخنرانی افتتاحیه رفیق بدی آغاز بکار کرد.

دستور کار کنگره

ابتدا گزارش سیاسی شورای مرکزی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

سپس پیش نویس قطعنامه های ارائه شده به کنگره شامل :
قطعنامه کنگره هفتم در تشریح مواضع سازمان درباره ضرورت وحدت های حزبی و جبهه ای
قطعنامه درباره شرایط مشخص کنونی و مبارزات طبقه کارگر، خطرات پیش روی و وظائف ما

قطعنامه پیشنهادی گروه تدارک کنگره هفتم درباره تشدید ستم و تبعیض مضاعف جنسی و جنسیتی در جامعه
قطعنامه پیشنهادی رفقا فوژان و مسعود دریاب مساله زنان

قطعنامه پیشنهادی روابط بین المللی سازمان

قطعنامه در باره بحران زیست بومی در ایران و پیشنهادات دیگر به بحث و بررسی گذاشته شدند.
پیشنهاد تکمیل بندی از برنامه ی سازمان در مورد محیط زیست .

در ادامه پیشنهاد ی هم برای تکمیل بند برنامه ای سازمان درباره محیط زیست ارائه شد که این پیشنهاد نیز در سمینارهای درونی و بیرونی مورد بحث و گفتگو قرار گرفت و بعد از اینکه نظرات موافق و مخالف حول آن نظرات خود را بیان کردند. طبق روال برنامه ریزی شده این پیشنهاد نیز توسط ارائه دهنده آن تصحیح و در دستور کنگره قرار گرفت.

در اجلاس کنگره گزارش سیاسی و قطعنامه های پیشنهادی باتفاق ارا به تصویب رسیدند و در یک مورد مربوط به قطعنامه زنان دو قطعنامه به کنگره ارائه شد که قطعنامه اول به تصویب رسید و اما قطعنامه دوم رد شد. همه این قطعنامه و گزارشات سیاسی در نشریه ویژه کنگره هفتم منتشر شده اند.

پیشنهاد دیگر مربوط به اضافه نمودن بندی به اساسنامه بود. پیشنهاد کننده درخواست می کرد که بندی مبنی بر برسمیت شناختن فراکسیون به اساسنامه اضافه شود. در این باره نیز بحث و گفتگو انجام گرفت و با توجه به کمیت و کیفیت کنونی سازمان و نظر باینکه در حال حاضر ترکیب شورای مرکزی را مسئولین ارگان های مختلف تشکیلات تشکیل می دهند به نوعی از سیستم و مناسبات شورائی پیروی میکنند و نمایندگان قابل عزل هستند و... این پیشنهاد با موافقت ارائه دهنده آن از دستور کنگره خارج شد.

بحث دیگر حول بررسی قطعنامه تشریحی مواضع سازمان درباره اتحاد ها و... شکل گرفت که یک بخش آن مربوط میشد به همکاری ما با پنج حزب و سازمان دیگر در شورای همکاری.

از دیرباز در سازمان ما نگرانی هائی درباره ناتوانی این همکاری در پیشبرد اهداف اش و نیز ناتوانی آن در گسترش دامنه اتحاد و خطر تبدیل شدن به فرقه ای دیگر مطرح بوده و نظرات

سازماندهی اتحادهای مکرر قبلی که عموماً بر اساس معیارهای ارزشی شکل گرفته بودند ناموفق از آب درآمده و نتوانستند به اهداف شان برسند، از یکسو و نیز با توجه به وضعیت جامعه و سطح آگاهی و مبارزات و مطالبات طبقه کارگر و زحمتکشان و نیاز این جنبش های اجتماعی به اتحاد و همکاری و... از سوی دیگر، ما اتحاد در چهارچوب،

جبهه انقلابی واحد با ساختار معین با هر تعداد از احزاب، سازمان ها، تشکل ها، نهادها و اشخاص که ایجاد چنین جبهه ای را ضروری می دانند، را آلترناتیو منطقی برای متحد شدن نیروهای پراکنده جنبش های اجتماعی و چپ انقلابی برای شرکت موثر و عملی در مبارزات جاری در شرایط کنونی می دانیم. در شرایط حساس کنونی برای متحد شدن سازمان ها، افراد، تشکل ها، نهادهای مختلف کارگران، زنان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان، کشاورزان و هنرمندان و غیره در چنین جبهه ای را ضروری می دانیم. روشن است که علاوه بر پلاتفرم مشترک منطبق بر نیازهای جنبش، ساختار چنین جبهه ای هم از جمله مباحث و توافقات خواهد بود. یک ساختار مناسب برای یک جبهه که فراتر از اتحاد عمل است ولی با اتحاد تشکیلاتی و حزبی فاصله دارد.

برای رفقا توضیح دادیم که هدف تلاش برای متحد شدن جنبش های اجتماعی گوناگون با جهت گیری ضد سرمایه داری است که هم اکنون در صحنه مبارزه حضور دارند. یاری رساندن به شکل گیری جبهه متحد انقلابی است که تمام جنبش های توده زحمتکش مردم را زیر چتر خود گردآورد و مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم حاکم در راستای ایجاد تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران مبتنی بر شوراهای سازمان دهد و هدایت کند و گفتن ندارد که طبقه کارگر قدرتمند ایران نیروی هژمون چنین جبهه ای خواهد بود و تاکنون نیز نشان داده است که چنین است. طبقه کارگری که باگردآوری متحدین خود در مبارزات جاری علیه رژیم سرکوبگر حاکم به فضا و امکانات لازم برای فائق آمدن بر ضعف های خود، نظیر

مخالف و موافقی شکل گرفته بودند که می بایست در کنگره به تصمیم نهائی می رسیدیم. در جلسات پیش کنگره در این باره مباحثات مفصلی صورت گرفت ولی قبل از تصمیم قطعی، شرکت کنندگان در کنگره صلاح دیدند ابتدا نظرات خود را بانمایندگان پنج جریان دیگر باشتراک بگذارند. در پی این تصمیم طی نامه ای از پنج جریان دیگر در شورای همکاری (حزب کمونیست ایران- سازمان راه کارگر- هسته اقلیت - سازمان فدائیان (اقلیت) و حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست) دعوت شد تا در جلسات جنب کنگره هفتم سازمان حضور بهم برسانند و پیرامون انتقادات و نظرات مختلف درباره فعالیت مشترک و ارزیابی از جنبه های مثبت و منفی آن و نیز درباره آلترناتیوهای موجود برای گسترش دامنه آن به گفتگو و تبادل نظر بنشینیم.

در دو جلسه نسبتاً طولانی در دو روز متفاوت نظرات مختلف از هر دو سو باهم به دیالوگ پرداختند نظرات و استدلالات خود را بیان کردند. از آنجائی که شرکت رفقا در این اجلاس قبل از تصمیم نهائی سازمان برای کنگره جنبه مشورتی داشت، بعد از کفایت بحث و تبادل نظر تصمیم نهائی به اجلاس رسمی کنگره واگذار شد.

در اجلاس کنگره با ارزیابی از نظرات رفقای نمایندگان سازمان ها و احزاب و با توجه به کمیت و کیفیت و کارنامه شورای همکاری و نظر به تاریخچه مباحث قبلی که در این زمینه انجام گرفته و بی نتیجه مانده بود کنگره باین نتیجه رسید که در حال حاضر ظرفیت این همکاری از آنچه که تاکنون بوده و هست، بیشتر نیست و نباید با بزرگنمایی به ایجاد توهمات و انتظارات غیر واقع بینانه از این نوع اتحاد عمل ها و همکاری ها در سطح جنبش دامن زده شود.

در نشست مشترک با نمایندگان احزاب و سازمان ها در شورای همکاری مطرح کردیم که:

سازمان ما براساس اسناد برنامه ای خود و تحلیل مشخص از شرایط موجود و باجمع بندی از تجربیات گذشته و سطوح و اشکال مبارزات جاری معتقد است که طبقه کارگر بدون ستاد رزمنده ای از پیشگامان خود از یکسو و متحد کردن همه زحمتکشان حول جبهه ای انقلابی از سوی دیگر قادر به پیشروی و پیروزی نهائی نخواهد بود.

اما در شرایطی که جامعه در غلبان است و جنبش رو به اعتلاء و تشکل حزبی دارای ارتباط ارگانیکی با طبقه کارگر و زحمتکشان در دور دست و

سازماندهی ارگان " کمیسیون مطالعه و پژوهش " در جنب

شورای مرکزی

موضوع بعدی پیشنهاد سازماندهی ارگانی تحت عنوان - مرکز مطالعه، پژوهش و نقد و اصلاح در جنب شورای مرکزی - بود که مورد موافقت کنگره قرار گرفت . برنامه این کمیسیون مطالعه و پژوهش درباره تحولات ایران و جهان در عرصه های مختلف و ارائه پیشنهادات برای بروزرسانی مواضع برنامه ای ، اساسنامه ای و خط و مشی سازمان و ارائه برنامه های آموزشی و نظائر اینها خواهد بود که بعد از شکلگیری وظائف و آئین نامه مربوطه تهیه خواهد شد.

گزارش مالی

در نهایت گزارش مالی به کنگره ارائه شد و ریز مخارج و درآمدها به کمیسیون بازرسی ارائه شد تا بعد از بررسی تایید آن در اختیار اعضا قرار گیرد . توضیح اینکه درآمد مالی سازمان از حق عضویت ها و کمک مالی اعضا و دوست داران سازمان تامین میگردد.

در پایان کنگره بعد از انتخاب کمیسیون بازرسی ، ترکیب اعضای شورای مرکزی مشتمل بر مسئولین بخشهای مختلف مورد تایید قرار گرفت و مشاورینی نیز در نظر گرفته شدند . در مبحث مربوط به انتخاب شورای مرکزی رفیق پدی ضمن سخنان کوتاهی انصراف خود را از کاندیداتوری برای انتخاب در ارگانهای رهبری اعلام کرد و طی سخنان کوتاهی بر ضرورت جذب اعضای جوان و ایجاد فضای لازم برای جایگزینی جوان ترها در ارگان های رهبری تاکید کرد و سپس شورای مرکزی بعد از اتمام اجلاس کنگره پلنوم خود را تشکیل داد که گزارش آن جداگانه منتشر میشود.

در پایان با اجرای سرود اینترناسیونال اجلاس کنگره هفتم پایان یافت .

وحدت و تشکیلات یگانه ابزار

توانای مبارزات کارگران و

زحمتکشان است!

تشکل و تحزب، استقلال طبقاتی و ارتقاء آگاهی سوسیالیستی... نیز دست خواهد یافت. (برای مطالعه متن کامل به قطعنامه مصوب کنگره هفتم درباره اتحادها... مراجعه بکنید).

به هرحال مباحث و گفتگوهای مفصل این دو جلسه مشترک به توافق نینجامید و قرار شد این بحث ادامه یابد و سمینارهایی بمنظور ارزیابی از نقاط قوت و ضعف شورای همکاری و آلترناتیو های ارائه شده برگزار گردد. مسلماً ادامه این مباحث و نتایج آن جهت گیری این همکاری و طبیعتاً موضع ما را مشخص خواهد کرد.

لذا از آنجا که ما همواره از هرنوع اتحاد عمل و همکاری بین جریانهای انقلابی و جنبشهای اجتماعی علیه وضع موجود حمایت میکنیم و همیشه مشوق و پیشگام این نوع همکاری ها بوده ایم لذا مادامی که اصولیت ما در چهارچوب این نوع اتحاد عمل ها و همکاری ها زیر سوال نرود و به نزدیکی نیروهای انقلابی و رشد کمی و کیفی جنبش های اجتماعی یاری رساند، در آنها شرکت میکنیم و در عین حال باید فعالیت تبلیغی و ترویجی و سازمانی خودمان را برای ایجاد زمینه های نظری و عملی وحدت های سازمانی (باهدف فائق آمدن بر تشننت و پراکندگی سازمانی کمونیست ها) و نیز زمینه نظری و سازمانی اتحاد پیشروان و پیشگامان جنبشهای اجتماعی طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه و اتحاد مبارزاتی آنها در یک جبهه انقلابی بمنظور سرنگونی نظام ارتجاعی و ضد مردمی حاکم با هدف تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی کشور مبتنی بر شوراهای متمرکز کنیم. اتحاد عمل ها و همکاری ها در چهارچوب یک مناسبات دموکراتیک که امکان برخورد آزاد آرا و نظرات در آن برسمیت شناخته شده باشد را اقداماتی در این جهت محسوب می داریم . ارگان رهبری سازمان موظف شد اقدامات آتی خود را در این چهارچوب و در راستای قطعنامه مصوب کنگره برنامه ریزی بکند.

مسائل تشکیلاتی

- در بخش دیگر اجلاس مباحث و تبادل نظراتی درباره مسائل تشکیلاتی از جمله ارگانهای تبلیغی و ترویجی و امور سازمانی و راه های ارتقای سطح کمی و کیفی آنها صورت گرفت .

گزارش سیاسی به کنگره هفتم

موقعیت سیاسی - اقتصادی جهان

سرمایه

در دهه های اخیر سرمایه داری با بهره گیری از ثمره انقلاب علمی در زمینه ارتباطات، فن آوری های دیجیتال رفع موانع انتقال سرمایه های کلان و کالا و نیروی کار در سطح جهان تغییرات مهمی را در ساختارهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی کشورها بوجود آورده است.

این واقعیتی است که جهانی شدن شتابان سرمایه در دهه های اخیر ادامه منطقی مرحله امپریالیسم سرمایه داری است که در اوائل قرن بیستم توسط لنین تئوریزه و تدوین شده است. اما آنچه که در چهار دهه اخیر اتفاق افتاده است عبارت از این است که از دهه هشتاد سرمایه داری برای فائق آمدن بر بحران های خود، الگوی "نئولیبرالیسم" را جایگزین الگوئی قرارداد که بنام الگوی "کینزی" معروف شده بود که در نتیجه رشد و گسترش جنبش کارگری و زحمتکشان و برای مقابله با انقلابات سوسیالیستی امتیازات و دست آوردهای طبقه کارگر و زحمتکشان را تا حدودی تحمل

میکرد. الگوی نئولیبرالیسم در واقع امر در پی پس گرفتن امتیازات و دست آوردهای جنبش کارگری و رفع موانع انباشت سرمایه در دستور قرار گرفت. این الگو توسط ستادهای عظیم سرمایه جهانی نظیر صندوق بین المللی پول - بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی در سطح جهان تحمیل و به اجرا گذاشته میشود.

خصوص سازی های گسترده، تعدیل نیروی کار، مقررات زدائی از نیروی کار توسعه بازار آزاد بدون هیچگونه نظارتی، رشد سرمایه مالی حذف خدمات اجتماعی دولتی و سوبسید های ضرور برای کالاهای حیاتی، برداشته شدن موانع گمرکی، اعمال سیاست های ریاضتی و از بین بردن مشاغل تمام وقت، توسعه شرکت های اجاره دهنده نیروی کار و مشاغل موقت و ناپایدار، سرکوب شدید اعتراضات کارگری، محو اتحادیه ها، سندیکا ها و جلوگیری از بوجود آمدن تشکل های مستقل کارگران از جمله دستورات اجرائی آن معروف به "ده فرمان" محسوب می شوند که در کشورهای مختلف از جمله در ایران نیز به مورد اجرا گذاشته شده است. حاصل این سیاست اقتصادی در دهه های گذشته

بحران های دهه های اخیر سرمایه داری و تبعات آن

حیات سرمایه داری به تصاحب ارزش اضافی تولید شده بوسیله نیروی کار وابسته است در صورتی که در روند تولید ارزش اضافی و تصاحب آن اختلالی ایجاد شود و تولید کالا مختل شود و یا سرمایه مالی بخش بیشتری از سود ناشی از اضافه ارزش را تصاحب کند، بحران رخ میدهد.

در سال های گذشته انباشت سرمایه مالی رونق بورس های سهام، سرمایه های قمار به بروز حباب های اقتصادی و در نتیجه بحران های سرمایه داری منجر شده است. متروپل ها و نهادهای مالی، بانک ها و موسسات اعتباری وابسته بهم و تاثیر متقابل بحران و ورشکستگی یکی بر دیگری به اختلال در زنجیره های بهم پیوسته موسسات مالی و

صنعتی به بروز بحران ۲۰۰۸ منجر شد و با توجه به جهانی شدن سرمایه و سیاست های اقتصادی مترتب بر آن و نیز تلاش دول معظم سرمایه داری برای انتقال بار بحران به خارج از مرزهای ملی، این بحران ها را به سرتاسر جوامع بشری تسری داد و در نتیجه رقابت برای تجدید تقسیم مناطق نفوذ بمنظور تسلط بر بازارهای کالا، مواد خام و کار ارزان رقابت بین امپریالیست ها را تشدید کرده و به جنگ و درگیری های نظامی منجر میگردد، همچنانکه شاهد جنگ های متعدد رسمی و یا نیابتی در خاورمیانه، شمال آفریقا، افغانستان بودیم و اکنون نیز شاهد تشدید تضاد کشورهای نظیر آمریکا و متحدین آن از یکطرف و چین و روسیه و متحدین آنها از سوی دیگر هستیم درعین حال شاهد تشدید تضاد بین خود دول سرمایه داری متحدین و بلوکبندی های سیاسی و اقتصادی نظیر اتحادیه اروپا و آمریکا و غیره هستیم.

اقتصاد جهان سرمایه در گیر و دار بحران کرونا

نظام سرمایه داری هنوز از بحران ۲۰۰۸ بطور کامل خلاصی نیافته بود که بحران ۲۰۱۹ به همراه پاندومی کرونا این بحران ها را تعمیق و تشدید کرد.

نزدیک دو سال است که بحران پاندومی کوید ۱۹ هم موقعیت متزلزل اقتصادی سرمایه جهانی را بیشتر از پیش

شکننده ساخته و هم توجیهی برای پیامدهای مخرب آن بر طبقه کارگر، تحمیل سیاستهای ضد کارگری بر آنان، و سرکوب جنبش ها و فعالین مدافع طبقه کارگر شده است.

این بحران جهانی را نه میتوان از بقیه بحران های سرمایه داری جدا دانست، نه میشود یک ماهیت ویژه برای آن قائل شد، و نه میتوان انتظار داشت که سرمایه داری بدون در نظر گرفتن ملاحظات مالی و سودآوری، انگیزه برخورد با این بحران را داشته باشد و یا اساسا سلامت و حیات جامعه بشری را مرکز اصلی سیاست هایش قرار دهد. بلعکس سرمایه داری بعنوان سیستمی که ارجحیت اول و مهم اش را نه انسان ها، نه سلامتی و رستگاری شان بلکه بعنوان ساختاری برای ثروت اندوزی بیشتر به هر قیمتی، بار دیگر ثابت کرد که فاقد وجدان انسانیت و سیستمی فاجعه آفرین است که نه انسان از حمله وحشیانه اش به جان و دار و ندارش در امان خواهد بود و نه طبیعت و محیط زیست از دستبرد و تعرض بیرحمانه اش خلاصی خواهد داشت. بعلاوه، عدم تمایل و ناتوانی اش به پاسخ بلادرنگ و عاجلش در مهار کردن و حل این بحران بدون انگیزه های پولی و سیاسی، هم بشریت و هم طبیعت را با خطر نابودی کامل روبرو ساخته است.

بحران کوید ۱۹ مانند بحران های دیگرش مثل تورم، ورشکستگی سیاسی-اقتصادی، جنگ، محیط زیست، و بیکاری ریشه های طبقاتی دارد و انگیزه های منفعت طلبانه اجازه

نداده است که بشکل ریشه ای و واقعی برای حل این معضل اقدام شود.

همانطور که اشاره شد، سرمایه داری همچنان که ماهیتا بحران مالی-اقتصادی ببار می آورد توأمان بحران های سیاسی-اجتماعی و زیست محیطی را هم بدنبال دارد. بیماری های اپیدمی هم در بستر تخریبات محیط زیستی فراگیرتر و خطرناکتر گشته اند. کرونا اگرچه زندگی میلیون ها نفر را در جهان دچار اختلال و ترس کرده است ولی آنچه واقعیت دارد این است که این کرونا نیست که باعث رکود اقتصادی گشته (هر چند آنرا تشدید کرده است) بلکه عملکرد درونی سیستم سرمایه داری و قوانین حاکم بر این ساختار موجد اختلال در مناسبات و تعامل بین انسان با طبیعت پیرامونش شده است.

در سال گذشته گسترش و عواقب پندومی کرونا هر گونه فعل و انفعال اقتصادی-سیاسی و اجتماعی را تحت پوشش قرار داد. از طرفی اوضاع معیشتی-شغلی میلیون ها کارگر با وخامت بیشتری روبرو شد و از طرف دیگر وضعیت اقتصاد ورشکسته سرمایه داری توجیه تازه ای برای برون رفت از این بحران و از جیب میلیون ها توده های طبقه کارگر پیدا کرد. همزمان اعمال قوانین ضد پناهندگی، سرکوب اعتراضات و جنبش های توده ای را هم از توجه افکار عمومی خط زده است.

از طرفی دیگر اقدام برای کنترل اپیدمی حتی در کشورهای پیشرفته با عدم

آمادگی، بی‌مدیریتی و گیج‌سری روبرو ساخته است که نتیجتاً اوضاع را برای یک ریاضت سخت‌تر اقتصادی و تصویب وام‌هایی با نرخ بهره صفر به کورپرات‌ها و سرمایه‌داران بزرگ مساعد کرده است.

آنچه که بیش از همه در درک اجتماعی جامعه از جایگاه کارگران خط تولید و سرویس‌های خدماتی در این یکسال و اندی برجسته شده است، این است که با این فضای ترس و یاس مردم بخوبی تجربه کردند که نبض حیاتی دنیا در دست کارگران است و اگر چیزی تولید نشود و سرویس‌های خدماتی متوقف شود جامعه انسانی از قحطی و بیماری به نابودی کشیده می‌شود. مشارکت‌های عظیم اجتماعی طبقه کارگر، به جان خریدن خطرات و فداکاری‌های همه‌گیر قدرت واقعی کارگران را بنمایش گذاشت. نه تنها کارکنان مراقبت‌های بهداشتی بلکه همه کارگران ناگهان به عنوان "قهرمان" شناخته می‌شوند. در این شرایط طبیعی‌ترین واکنش طبقه کارگر باید طرح مطالبات اقتصادی و اجتماعی‌ای مثل دستمزد بالاتر، مزایای بهتر، شرایط کاری و معیشتی نه کمتر بلکه بیشتر کند، چرا که در همه دنیا ما شاهد هستیم که چه طبقه‌ای مولد است و کدام طبقه انگل. همه می‌توانند ببینند که چه کسانی واقعاً "ضروری" هستند و میتوانند تامین سلامت و خدمات درمانی، تغذیه، نظافت عمومی، روشنایی، سوخت و حمل و نقل را تضمین کنند. در حالیکه سرمایه‌داری

مدعیست که بحران کنونی اقتصادی نتیجه پندومی کوید ۱۹ و بسته شدن اجباری مراکز و اماکن تجمع است هنوز ضربه بحران مالی ۲۰۰۹ - ۲۰۰۸ بر اقتصاد جهانی نتوانسته است بطور کامل بازسازی شود و تجدید قوا کند. بعد از گذشت سیزده سال از آن بحران و سقوط مالی، سیستم مالی جهانی هنوز هم در آستانه یک ریزش ویرانگر قرار گرفته است. متدهایی که توسط سرمایه‌داری برای پاسخ به بحران مالی سال ۲۰۰۸ بکار گرفته شد، اگرچه توانست بخش‌ها به تثبیت سرمایه‌داری کمک کند ولی در عین حال با ایجاد حباب‌های جدیدتر مالی شرایط سقوط هرچه بیشترش را هم فراهم کرده است. در اکثر کشورهای دنیای سرمایه‌داری، با تزریق میلیاردها دلار به حساب بانک‌ها و شرایط نرخ بهره صفر درصد که از ثروت ملی و عمومی مایه گذاشته شده است منجر به باز-توزیع ناعادلانه خدمات اجتماعی و افت بیشتر قدرت خرید توده‌های مردم شده است. این پروسه مکانیسم باز-توزیع ثروت بسمت الیگارشی مالی و یک درصدی‌های جامعه به اشکال گوناگون همیشه وجود داشته است، ولی با سررسیدن بحران‌ها، شکل عریانتری بخود گرفته و یا بیشتر افشاء گشته است.

خسارت مالی تحمیل شده به طبقه کارگر از سال گذشته تاکنون بسیار ویرانگر بوده است. طبق محاسبه تخمینی سازمان بین‌المللی کار جهان معادل ۲۵۵ میلیون شغل را در سال

۲۰۲۰ از دست داده است یعنی معادل ۴ برابر تاثیر بحران مالی ۲۰۰۹-۲۰۰۸ بسیاری از مشاغل کوچکتر کلاً از بین رفته‌اند.

شرایط حاد سیاسی - اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی

درسه دهه اخیر تحولات اقتصادی، سیاسی اجتماعی در جهان تاثیرات خود را بر توازن قوای طبقاتی و روندهای اقتصادی و اجتماعی داخل نیز برجای گذاشته است.

جهانی شدن سرمایه همانطور که در مانیفست کمونیست نیز ذکر شده است از همان ابتدا در کار بوده است. نظام سرمایه‌داری برای کسب سود همواره در پی تسخیر بازارهای جدید و دست‌یابی به مواد خام و نیروی کار ارزان است.

اجرای قوانین و دستورالعمل‌های سرمایه جهانی در کشورهای نظیر ایران که سرمایه به انباشت از طریق اعمال دیکتاتوری، استبداد و فساد، رانت و بهره‌کشی بی‌حد و مرز از نیروی کار و زحمت عادت کرده است. حق تشکل و تحزب از کارگران و دیگر زحمتکشان سلب شده است و طبقه کارگر و اقشار زحمتکش مردم از تامین اجتماعی و همه‌شمول و مکفی و حقوق بیکاری تامین و تضمین شغلی محرومند و هرگونه صدای اعتراضی با سرکوب‌خشن مواجه می‌شود و انباشت سرمایه با شدیدترین درجه استثمار و بی‌حقوقی

انجام میگیرد و علاوه بر اینها، اعمال تبعیضات جنسی، ملی، مذهبی، تخریب محیط زیست و سایر مسائل دموکراتیک حل نشده دیگر بیداد میکند. افزایش شکاف طبقاتی و گسترش دامنه فقر و سرکوب هر ندای آزادی خواهی، اعتراضات، اعتصابات، شورش ها و خیزش های خود انگیخته توده ای را اجتناب ناپذیر میسازد. خیزش های توده ای خود انگیخته در کشورهای خاورمیانه و ایران از آن جمله اند. این خیزشها و شورشها که گاه بطور ناگهانی بروز می یابند بدلیل نبود رهبری انقلابی سرانجام یا سرکوب می شوند و یا با دست بدست شدن قدرت سیاسی با یک دوره رکود و خمود مواجه می گردند. امسال نفرت توده های زحمتکش مردم علاوه بر اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگران و زحمتکشان جامعه خود را در عدم شرکت گسترده آنها در نمایش انتخاباتی رژیم نشان داد و با وجود رسوائی رژیم در این نمایش انتخاباتی، رئیسی یکی از جنایتکاران بنام و عضو هیئت مرگ و قاتل هزاران زندانی سیاسی، تحت عنوان رئیس جمهوری اسلامی معرفی شد. بر سر کار آوردن رئیسی و تیم آن درقوه اجرائیه مبین این واقعیت است که متناسب با شکلگیری و تحکیم طبقه اقتصادی مسلط قرار است قدرت سیاسی نیز تا حد امکان بعنوان نمایندگان بالاستحقاق طبقه مسلط اقتصادی سرو سامان یافته و بر اوضاع مسلط شود.

در عرصه داخلی:

درچنین شرایطی رویکرد رژیم در داخل کماکان مبتنی بر سرکوب جنبش کارگری و سایر جنبش های اجتماعی و تلاش برای رفع و رجوع معضل واحد های تولیدی که با بحران مواجه اند، تامین بیشترین فضای لازم برای تشدید استثمار و بهره کشی از نیروی کار و غارت و چپاول منابع ثروت عمومی سیر خواهد کرد. رژیم تلاش خواهد کرد با دستگیری و قربانی کردن حامیان فاسد و رسوای خود، از یکسو و تعاملات فرهنگی و نیز براه انداختن تبلیغات عدالت خواهی و غیره، از رئیسی و تیم او چهره ای متعادل بسازند و هم با شکاف انداختن در میان جبهه کارگران و محرومان جنبش های روبه گسترش آنها را مهار و سرکوب نمایند.

در زمینه سیاست خارجی:

رژیم همچون گذشته تلاش خواهد کرد تا از تضاد بین امپریالیست ها بیشترین سود را نصیب خود کند و افزایشهای تحریمات اقتصادی بکاهد همچنان که با استفاده از همین تضادها بار سنگین فشار حداکثری دوره ترامپ را از سرگذراند و اکنون نیز تلاش خواهد کرد تا با وارد شدن به پیمان های نظامی و اقتصادی منطقه اسیا و اروآسیا نظیر "پیمان شانگهای" موقعیت خود را در مذاکرات با غرب تحکیم کند. واقعیت این است که متروپل ها و الیگارشی

های امپریالیستی حاکم بر جهان سرمایه داری در دوران کنونی جهانی سازی معطوف به ایجاد آنچنان ثباتی در کشورها هستند که گردش سرمایه و سودآوری آن تضمین شده باشد و اعتصابات و اعتراضات کارگری و اعتراضات توده ای مهار و سرکوب شوند لذا همانطور که در واقعیت تحولات اخیر افغانستان و به روی کار آوردن طالبان دیدیم برای سرمایه های کلان و دولت آنها مهم نیست که در افغانستان طالبان و در ایران اسلام فقهاتی حکومت بکند حقوق بشر پایمال گردد، مهم آن است که ثبات لازم برای انباشت سرمایه فراهم آید و سرمایه ها بدون هیچ مانع و رادعی به سودآوری خود ادامه دهند.

سیاست رژیم در منطقه

سیاست جمهوری اسلامی در منطقه نیز کماکان با احتمال تغییرات اندک ادامه خواهد یافت رژیم کماکان تلاش خواهد کرد تا از روحیه استقلال طلبی و نفرت از کشورهای امپریالیستی توده ها بویژه کشورهای غربی که تاریخا فجایع بیشماری را در این مناطق بوجود آورده اند استفاده بکند و خود را مدافع استقلال و عدالت جلوه دهد و بعنوان نیروی هژمون منطقه که در مقابل غول نظامی تسلیحاتی و اقتصادی آمریکا شاخ و شانه میکشد، جلوه کند. از این موضع رژیم تلاش میکند در داخل کشور نیز با دامن زدن به ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی صف گسترده تری در مخالف با طبقه کارگر و زحمتکشان

مراکز کارگری و نیز اعتراضات معلمان، بازنشستگان، بیکاران و سایر زحمتکشان مبین این واقعیت است که جامعه ایران بویژه بعد از خیزش های ۹۶ و ۹۸ وارد دور جدیدی از مبارزه شده است که بدون ارتقاء سطح آگاهی و سازمانیابی حزبی و توده ای طبقه کارگر بعنوان نیرومندترین طبقه اجتماعی و پیشرو جامعه و نیز اتحاد توده های زحمتکش مردم در یک جبهه انقلابی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و ایجاد تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران براساس شوراها این مبارزات به پیروزی حتمی نیروی کار و زحمت بر اختاپوس هزار سر سرمایه و مافیای قدرت و ثروت حاکم نخواهد رسید و در اینجا وظیفه پیشروان کارگری بویژه کمونیست ها است که تلاش کنند با نیروی کار و مبارزات آن پیوندی ارگانیک برقرارکنند و با سازماندهی هسته های سرخ و کمیته های کارخانه و محلات به حضور عملی خود در مبارزات جاری مادیت بخشیده و با اتخاذ تاکتیک های صحیح و اصولی در راستای تحقق استراتژی خود گام بردارند.

رژیم زدند و حتی با وعده وعید واکسینه کردن مردم و نوید رونق اقتصادی، کسب رای اعتماد از مردم به جایی نرسید.

یک سال و اندی پس از هرج و مرج عدم کنترل کرونا، بی اعتنائی مقامات رژیم به جان میلیون ها نفر و رها کردن آنان در میانه بیماری و بیکاری، ترفند انتقاد از خود و حمله به فساد و رانت خواری دستگاه دولتی و براه انداختن تبلیغات عوامفریبانه دفاع از حقوق محرومان تلاش میکنند تا به هرنحوی که شده از طریق وعده و وعید و اختلاف انداختن در میان کارگران و زحمتکشان معترض جنبش های اجتماعی را مقهور و از گسترش و رادیکالیزه شدن آنها جلوگیری بکنند. افکار عمومی علیرغم میدیای سرسپرده و در خدمت سیاسیت های ضد مردمی رژیم، از درجه ارتشاء و فساد عمیق اقتصادی بخوبی آگاهند و ترس و هراس مردم از دستگیری و پیامدهای کیفی کاملاً در هم شکسته و اکثریت مردم علناً به این رژیم منحط و جنایتکار اعلان جنگ داده اند. اعتصابات گسترده کارگران پروژه ای صنعت نفت و پتروشیمی، تداوم مبارزات کارگران هفت تپه و وسایر

و نیروی چپ ایجاد کرده و از رواج ایده های سوسیالیستی و مترقی در جامعه جلوگیری کند.

مسئله اعمال این سیاست ها با شکست مواجه خواهد شد. در جریان نمایش "انتخابات" ریاست جمهوری، رئیسی ادعا میکرد که با استقلال سیاست گذاری در برنامه های کوتاه و دراز مدت اقتصادی قادر است که عواقب و پیامدهای تحریم ها را عقیم کرده و تحریمات اقتصادی قادر نخواهد بود که در این پروسه احیای اقتصادی اختلالی ایجاد کند.

ولی شرایط اقتصادی رژیم اسلامی با بحران همه گستر سیاسی، بیشتر و بیشتر در سراشیب سقوط قرار گرفته است. آثار مخرب تحریم ها با شیوع پندومی کوید ۱۹ و از کار افتادن کارگاه ها و سرمایه های کوچک و خودکفا، چند برابر شده است و هراس رژیم از سرگیری اعتراضات سراسری توده ای هر گونه امید واهی ای به احیای اوضاع اقتصادی و دست بسر کردن توده های مردم را نقش بر آب کرده است.

با توجه به ابراز تنفر علنی توده های مردم نسبت به رژیم اسلامی که با امتناع به رفتن پای صندوق های رای در مضحکه انتخاباتی ریاست جمهوری نشان داد. در پیش از انتخابات کارگزاران رژیم با کمپینی از وعده - و عیدهای تازه ای سعی می کردند مردم را به پای صندوق های انتخابات بکشانند.

ولی توده های مردم میخ آخر را بعد از کشتارهای وحشیانه آبان ۹۸ به تابوت

**با کمک های مالی خود سازمان اتحاد فدائیان
کمونیست را در پیشبرد وظایف انقلابی اش یاری
رسانید.**

قطعه‌نامه درباره شرایط مشخص کنونی و مبارزات طبقه کارگر،

خطرات پیش روی و وظائف ما

۱. مشخصه وضعیت کنونی تلاش طبقه حاکم ثبات بخشیدن به نظام سیاسی در دراز مدت است. این امر مستلزم مهار تنش های داخلی و خارجی از یکسو و حل پیچیدگی هائی است که از تناقضات و عملکرد خود رژیم و مجموعه تضادهای جامعه حاصل میشود.
۲. در عرصه داخلی استراتژی رژیم همواره مهار جنبش های اعتراضی بوده است که از سال ۵۷ تاکنون برغم افت و خیزها بصورت پراکنده با مطالبات تعیین نیافته و اغلب تدافعی جریان داشته است نظیر مبارزات کارگران، زنان، دانشجویان و خلق های تحت ستم و استثمار که سال ها رژیم در تلاش بود از طریق سرکوب و فریب، کشتار و اجازه ندادن به تشکل مستقل از یکسو و ایجاد تشکل ها و نهاد های دولتی و شبه دولتی نظیر شوراهای اسلامی کارخانه ها و سازماندهی مجامع مختلف دانشجویی، زنان، محیط زیست و انواع نهادهای سیاسی و انجمن ها و شکل دادن به گفتمان های مختلف نظیر اصلاح طلبی، مردم سالاری و غیره این مبارزات را با گفتمان های عاریتی زیر سیطره کنترل خود در بیاورد خطرات آنها را از سردور کند.
۳. به موازات تشدید بحران اقتصادی و تبعات اقتصادی و اجتماعی ناشی از پیاده سازی پروژه نئولیبرالیسم در کنار تنش خارجی و تحریم های اقتصادی امپریالیسم آمریکا بمنظور مهار توسعه طلبی رژیم در منطقه، از یک طرف فشار اقتصادی به طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم افزایش یافت و از طرف دیگر فساد، رانت خواری و وابستگان به حاکمیت شکافی عظیم میان کارگران و زحمتکشان و طبقه حاکم را عمیق تر و گسترده تر کرد بطوری که دیگر پروژه هائی نظیر اصلاح طلبی و پوپولیسم احمدی نژادی، مردم سالاری و نظائر آنها در میان جناح های مختلف طبقه حاکم قابلیت اقناع و بسیج را از دست دادند.
۴. روند انباشت بی رحمانه سرمایه همراه با سرکوب ابتدائی ترین آزادیهای سیاسی، طبقه کارگر و توده های محروم هرچه بیشتری را به میدان مبارزه کشاند. به همان اندازه که معیشت مردم مورد حمله قرار گرفت و سرکوب ادامه یافت رگه های ضد سرمایه داری در اعتراضات عمومی بر علیه دستگاه دولت و طبقه حاکم نیز افزایش یافت و خیزش های عظیم ۹۶ و ۹۸ و هزاران اعتصاب کارگری تبلور بارزی از تشدید تضاد بین نیروی کار و
۵. زحمت با اقلیتی از صاحبان قدرت و ثروت بود که نشان داد اکثریت جامعه گام در مسیر سرنگونی انقلابی رژیم گذاشته است. طبقه کارگر بلحاظ سطح گسترده ای از اعتراضات و اعتراضات طرح مطالبات اقتصادی و سیاسی و پیوندیابی آن با اعتراضات دیگر اقشار اجتماعی در شرایطی بتدریج در حال تبدیل شده به نیروی هژمون اعتراضات اجتماعی بر علیه وضعیت موجود است که هنوز فاقد تشکل حزبی و توده ای مورد لزوم و اتحادی گسترده و سراسری برای هدایت این مبارزات است و چپ انقلابی و کمونیست جایگاه قابل اتکاء جهت تاثیر گذاری در چالش های طبقه کارگر و دولت و سرمایه اران ندارند. اما با این وجود با توجه به بحران های متعدد اقتصادی و سیاسی که مدام در حال باز تولید است جنبش کارگری رو به گسترش و اعتلاء خواهد بود.
۶. طبقه حاکم و قدرت سیاسی آن در شرایط کنونی تنها با نظامی امنیتی کردن صحنه سیاسی کشور قادر به مهار اعتراضات کارگری و اعتراضات توده ای نبوده و نیست. بعد از سرکوب های بی رحمانه اعتراضات گسترده سراسری ۹۶ و ۹۸ و دستگیر و ضرب و ستم رهبران و فعالین جنبش کارگری و سایر جنبش های اعتراضی تنها در سال گذشته ما شاهد نزدیک به دوهزار اعتصاب کارگری و هزاران مورد اعتراض توده ای بودیم همه این اعتراضات مهر و نشان آزادی خواهی و برابری طلبی و ضد سرمایه داری را بر پیشانی خود داشتند و هرچه مخالفت بانظام حاکم گسترده تر میشود بناچار مضامین ضد سرمایه داری در مطالبات و خواسته های جنبش های اجتماعی افزونتر می شود و گفتمان چپ و سوسیالیستی در بین کارگران و جوانان دانشجویان مقبولیت مییابد.
۷. درست به همین دلیل است که همزمان با تلاش رژیم برای انسجام ساختار سیاسی و انطباق آن با سیاست ها و منافع طبقه حاکم، علاوه بر تیغ سرکوب شیوه مهار نرم همچون بال مکمل سرکوب در دستور روز قرار گرفته است منتهای مراتب در شرایطی که گفتمان اصلاح طلبی افول یافته است این گفتمان "عدالت خواه" و شبه چپ وابسته به حاکمیت است که این بار میداندار ادغام شعارها و مطالبات چپ در درون خود شده است. ظهور "چپ عدالت خواه محور مقاومت" با حمایت مادی و معنوی

بر انداختن نظام مستقر حاکم نیست و این حقیقت در تجربه سال های اخیر بکرات ثابت شده است. اما برغم سیاست سرکوب و دستگیری و کشتار گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری و انباشت تجربیات نظری و عملی زمینه های لازم را برای فعالیت انقلابی و سازمان گرانه بیش از پیش فراهم می نماید.

۳. اعضای سازمان باید تلاش کنند تا با سازماندهی هسته های سرخ درون مهمترین مراکز تولید بمثابه سنگ بنای تشکیلات حزبی درون کارگران، اقدام کنند. این هسته ها باید کاملا مخفی و از اعضا و سمپات های سازمان تشکیل شوند. مکانیزم ها و کارکرد آن در جزوات مربوطه شرح داده شده است.

۴. در اتحاد عمل با سایر کارگران پیشرو و کمونیست و رهبران عملی و مورد اعتماد، اقدام به تشکیل کمیته های مخفی کارخانه و محل کار در هر واحد تولیدی که کارگران در آن مشغول بکار هستند، بکنند. وظائف تبلیغی و ترویجی و عملی این کمیته ها و چگونگی تلفیق کار علنی و مخفی در جزوات مربوطه شرح داده شده اند.

۵. سازماندهی کمیته محلات در اتحاد عمل با عناصر پیشرو و تلاش جهت ارتقاء سطح آگاهی و مطالبات بیکاران، و توده های مردم زحمتکش و شرکت در مبارزات آنها جهت تحقق خواست ها و مطالباتشان.

۶. حمایت و شرکت در تشکل ها مستقلی که در این و یا آن مرکز کارگری و توده ای بنابر شرایط مشخص ولو کوتاه مدت ایجاد میگردد بمنظور تاثیرگذاری در آنها و شرکت و حمایت از مبارزات و مطالباتی که به بهبود شرایط زندگی کارگران می انجامد. همچنین تلاش برای پیوند یابی و هماهنگی اعتراضات، اعتصابات و مبارزات کارگران بخش های مختلف و دیگر زحمتکشان در مبارزات جاری در سرتاسر کشور.

۷. شکست دادن نقشه های مرتجعین و افشای ورشکستگی شعارهای برنامه ای و اقدامات تاکتیکی احزاب بورژوائی اپوزیسیون و جناح بندی های درون رژیم و توطئه های عوامل حاکمیت و سرمایه داران در به انحراف کشاندن مبارزات جاری و توضیح این واقعیت به توده های کارگر و زحمتکش که هرگونه امیدواری به مسالمت آمیز بودن نتیجه مبارزه قدرت بین اکثریت عظیم کارو زحمت با قدرت سرکوبگر حاکم و بدست آوردن حق تعیین سرنوشت خود امیدی است واهی و بی نتیجه.

دولت، نمونه بارزی است که حاکمیت تلاش می کند از یکسو مبارزات توده های طبقه کارگر و زحمتکشان را با پیامدهای سیاسی منتج از تحولات اقتصادی و تبعات نئولیبرالیسم منحرف کند و این اعتراضات را بنام خود ثبت کند از طرف دیگر با اقدامات عملی و نظری گسترده ای با گفتمان روبه رشد چپ و سوسیالیسم در میان کارگران و زحمتکشان و جوانان و دانشجویان به مقابله برخیزد و در روند این مبارزات از تلاش جنبش کارگری برای انسجام دادن بخود و ایجاد تشکل های مستقل و نیز تحزب کمونیستی ممانعت بعمل بیاورد.

در شرایط کنونی در دستور بودن این سیاست ضد کارگری طبقه حاکم یکی از بزرگترین خطرات و چالش های پیش روی طبقه کارگر در روند آتی مبارزه خواهد بود. در این رابطه وظائفی مهم بردوش کارگران پیشرو و کمونیست ها، از جمله سازمان ما قرار میگیرد که با تجزیه و تحلیل علمی و تاریخی تحولات درون جامعه و سطح مبارزه طبقه کارگر با پیامدها و تبعات چنین رویکردی در عرصه های نظری و عملی به مقابله و مبارزه بپردازند.

بنابر این کنگره هفتم سازمان مقرر می دارد

۱. سازمان اتحاد فدائیان کمونیست با تکیه بر ادبیات، مصوبات، سیاست و استراتژی خود در جنبش کارگری موظف است در درون کارگران مراکز تولیدی و زحمتکشان محلات و نیز مطبوعات سازمانی از موضع استقلال طبقاتی کارگران، مبارزه همه جانبه ای را با این رویکرد رژیم در دستور بگذارد. علاوه بر آن با انحرافات رفرمیستی، آنارشویستی، آنارکوسندیکالیستی، ذهنی گرائی، فرد محوری و کیش شخصیت در درون مبارزات کارگران و تجمیع این مبارزات بر علیه پروژه "چپ محور مقاومت و عدالت خواهی" که تلاش می کند با تفسیری عاریه ای مبارزه علیه سرمایه داری را به مبارزه علیه سیاست این و یا آن دولت مستقر در شکل پیاده کردن نئولیبرالیسم کاهش دهد و از این طریق چپ انقلابی و کمونیست ها را خلع سلاح و جنبش کارگری را با افتراق و استهاله روبرو گرداند و امکان پیوند اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای با گفتمان چپ انقلابی و پیوستن آنها بویژه جوانان به جزیانات کمونیست و انقلابی را محدود و مسدود سازد، به مقابله جدی برخیزد. اما این مبارزه و مقابله هدفمند بدون ابزارهای سازمانی لازم نتیجه مطلوب را ببار نمی آورد.

۲. طبقه کارگر بدون پیشگام انقلابی و تشکل و تحزب قادر به مقابله موثر با چالش های پیش روی و توان پیش روی و

قطعه‌نامه کنگره هفتم در تشریح مواضع سازمان درباره ضرورت وحدت‌های حزبی و جبهه‌ای

نظر به اینکه:

است که طبقه حاکم با سرکوب و نیرنگ قادر است این خیزش‌های انقلابی و توده‌ای را سرکوب و موقتا به بحران‌های خود مهار بزند. از سوی دیگر در چنین شرایطی از ناتوانی طبقه کارگر و متحدین زحمتکش آن در هدایت تحولات انقلابی به سمت تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه، متناسب روند روبه‌زوال قدرت سیاسی مستقر، گرایش‌های بورژوائی، ناسیونالیستی، شوونیستی و مذهبی نیز بدلیل‌های مختلف خود را روبه‌طبقه کارگر و جامعه معترض اعلام می‌کنند و هر کدام به فراخور خویش با حمایت و پشتیبانی مادی و معنوی قدرت‌های امپریالیستی که در پی تأمین منافع خود در ایران و منطقه هستند، تلاش می‌کنند مبارزات کارگران و زحمتکشان را در سمت اهداف خود کانالیزه کرده و دست‌آوردهای آنان را مصادره بمطلوب بنمایند.

۴. سازمان ما بر اساس اسناد برنامه‌ای خود و تحلیل مشخص از شرایط موجود و با جمع‌بندی از تجربیات گذشته و سطوح و اشکال مبارزات جاری معتقد است که طبقه کارگر بدون ستاد رزمنده‌ای از پیشگامان خود از یکسو و متحد کردن همه زحمتکشان حول جبهه‌ای انقلابی از سوی دیگر قادر به پیشروی و پیروزی نهائی نخواهد بود.

۵. سازمان ما که همواره بر ضرورت اتحادهای اجتماعی در مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری و بویژه رژیم ارتجاعی و سرکوبگر جمهوری اسلامی تأکید داشته و در این راه کوشش‌های فراوانی کرده است. در شرایط حساس کنونی بار دیگر بر ضرورت مبرم اتحاد پیشگامان طبقه

۱. نظام سرمایه‌داری ایران و رژیم سیاسی مذهبی و سرکوبگر و ارتجاعی آن تا به امروز بحران‌های اقتصادی و سیاسی متعددی را پشت سر نهاده است. بحران‌هایی که می‌توانست تغییرات تعیین‌کننده‌ای در مبارزه طبقات اجتماعی و توازن قوا و پیشروی و پیروزی جنبش‌های اجتماعی و انقلابی ایران ایجاد کند. اما بنا بدلائل مختلف از جمله نبود شکل و حزب و ساختار مناسبی که این جنبش‌های اجتماعی و طبقاتی را زیرچتر خود متحد کرده و هدایت کند. این بحران‌ها با سرکوب شدید و بی‌رحمانه طبقه حاکم رفع و رجوع شده‌اند. این بحران‌ها در پیامد خود علاوه بر تشدید جدال بین طبقه حاکم، گسترش مبارزات کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان جامعه را نیز در پی داشته است و بویژه بعد از خیزش‌های توده‌ای ۹۶ و ۹۸ و گسترش اعتصابات کارگری، این مبارزات وارد فاز جدیدی شده است.

۲. باتشدید بحران اقتصادی و سیاسی و تعمیق شکاف طبقاتی، مبارزه طبقه کارگر و زحمتکشان بر علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب، مبارزه بر علیه تبعیضات جنسی، ملی، مذهبی و مبارزه علیه تخریب محیط زیست و مبارزه برای رهایی زنان و کسب آزادی‌های سیاسی و حقوق فردی و اجتماعی تشدید خواهد شد و در چشم انداز، گسترش اعتصابات سراسری و خیزش‌های توده‌ای محتمل است.

۳. اما تجربه اعتصابات کارگری و خیزش‌های انقلابی توده‌ای خود انگیزه و بدون برنامه و رهبری انقلابی در کشورهای مختلف منطقه و از جمله در ایران نشان داده

هدف تلاش برای متحد شدن جنبش های اجتماعی گوناگون با جهت گیری ضد سرمایه داری است که هم اکنون در صحنه مبارزه حضور دارند. یاری رساندن به شکل گیری جبهه متحد انقلابی است که تمام جنبش های توده زحمتکش مردم را زیر چتر خود گرد آورد و مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم حاکم در راستای ایجاد تغییرات بنیادی در ساختار اقتصادی و اجتماعی ایران مبتنی برشوراها را سازمان دهد و هدایت کند و گفتن ندارد که طبقه کارگر قدرتمند ایران نیروی هژمون چنین جبهه ای خواهد بود و تاکنون نیز نشان داده است که چنین است. طبقه کارگری که باگردآوری متحدین خود در مبارزات جاری علیه رژیم سرکوبگر حاکم به فضا و امکانات لازم برای فائق آمدن بر ضعف های خود، نظیر شکل و تحزب، استقلال طبقاتی و ارتقاء آگاهی سوسیالیستی... نیز دست خواهد یافت.

بنظر ما تنها با تحلیل مشخص از شرایط مشخص و درگیر شدن در مبارزات طبقه کارگر و زحمتکشان در عرصه ها و اشکال مختلف است که می توان به همه گیر شدن گفتمان سوسیالیستی و پیروزی طبقه کارگر در جبهه نبرد علیه سرمایه یاری رساند.

بنابر شرایط عینی و با توجه به پراکندگی های موجود و تجربیات زیسته، نیاز طبقه کارگر به داشتن حزبی انقلابی از یکسو و ایجاد جبهه واحد مبارزه علیه تعرضات سرمایه داری و سازماندهی مبارزه تهاجمی علیه آن از سوی دیگر را به امری اجتناب ناپذیر تبدیل کرده است.

(۱) راه کارما برای وحدت های حزبی و پایه نظری و پلاتفرم عملی این جبهه و نیز اتحاد فراگیر نیروهای طرفدار سوسیالیسم، طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه در اسناد برنامه ای و قطعنامه های مصوب در کنگره های قبلی پیشنهاد شده است.

کارگر از یکسو و تلاش جهت سازمانیابی جنبش های اجتماعی در یک جبهه انقلابی از سوی دیگر تاکید میکند

و تکرار می کنیم که:

الف: سازمان اتحاد فداییان کمونیست برای فائق آمدن بر پراکندگی و تفرق میان کمونیست ها علاقمند به آغاز بحث ها با هدف اتحاد تشکیلاتی و حزبی با هر حزب یا سازمانی است که مواضع نظری و سیاسی خود را به سازمان ما نزدیک می بینند. هر جریانی که این اتحاد های حزبی تشکیلاتی را در شرایط کنونی قدمی به جلو و به نفع جنبش طبقه کارگر و چپ ایران می داند ما از آن استقبال میکنیم. این اتحاد های حزبی بیشک قدمی است ضرور در رفع پراکندگی جنبش کمونیستی و اقدامی است در راستای ارتباط ارگانیک با طبقه کارگر و تشکیل حزب انقلابی آن.

علاوه بر این: در شرایطی که جامعه در غلیان است و جنبش رو به اعتلاء و شکل حزبی دارای ارتباط ارگانیک با طبقه کارگر و زحمتکشان در دور دست.

ب: ما جبهه انقلابی واحد با ساختار معین با هر تعداد از احزاب، سازمان ها، شکل ها، نهادها و اشخاص که ایجاد چنین جبهه ای را ضروری می دانند، را آلترناتیو منطقی برای متحد شدن نیروهای پراکنده جنبش های اجتماعی و چپ انقلابی برای شرکت موثر و عملی در مبارزات جاری در شرایط کنونی می دانیم. در شرایط حساس کنونی برای متحد شدن سازمان ها، افراد، شکل ها، نهادهای مختلف کارگران، زنان، بازنشستگان، پرستاران، دانشجویان، کشاورزان و هنرمندان و غیره در چنین جبهه ای را ضروری می دانیم. روشن است که علاوه بر پلاتفرم مشترک منطبق بر نیازهای جنبش، ساختار چنین جبهه ای هم از جمله مباحث و توافقات خواهد بود. یک ساختار مناسب برای یک جبهه که فراتر از اتحاد عمل است ولی با اتحاد تشکیلاتی و حزبی فاصله دارد. (۱)

قطعنامه در مورد بحران زیست بومی در ایران

مقدمه

نظر به اینکه برخی از جنبه های تخریب محیط زیست و بحران زیست بومی در ایران حاد شده اند و از این جمله می شود تقلیل مقدار آب های شیرین سطحی و زیرزمینی، نابودی جنگل ها، انقراض فزاینده انواع جانوران وحشی، افزایش خشکسالی ها از یک طرف و سیلاب ها از طرف دیگر و همچنین آلودگی آب، هوا و خاک را نام برد و نظر به اینکه ایران در رده دهمین کشور بزرگ تولید کننده گازهای گلخانه ای در جهان است و در عرض چند سال آینده خواسته یا ناخواسته باید این تولید را کم کند، لحاظاً شرکت فعالانه در جنبش های دفاع از محیط زیست و در حرکات اعتراضی علیه تخریب محیط زیست اکنون به یکی از مهمترین عرصه های اعتراضی برای نسل جوان کشور تبدیل شده است که قابلیت توده ای شدن را داراست.

تنها با حضور فعال در این جنبش است که می توان این مبارزات را به مبارزات معیشتی طبقاً کارگر و مردم زحمتکش و محروم ایران گره زد و مطالباتی را خواستار شد که راه حل این مسائل زیست بومی را با بهتر کردن وضعیت زندگی و معیشتی توده های انبوه مردم ایران یکسان کرده و همچنین مانع از به بیراهه رفتن این مبارزات و تبدیل شدن این اعتراضات به نیروی ذخیره جناح های مختلف بورژوازی حاکم در ایران علیه یکدیگر شود.

مبارزه برای محیط زیستی بهتر و سالم تر و زیست بومی پایدار در ایران را نباید گذاشت که قدرتمندان چپاولگر به جنگی بین گروه های مختلف مردم محروم ایران با یکدیگر بر سر منابع کمیاب تبدیل کنند بلکه آن را باید به جنگی تمام عیار بین اکثریت توده های محروم جامعه که در به وجود آوردن این مشکلات کمترین تأثیر را داشته اند ولی بیشترین

توان را می دهند با یک اقلیت چپاولگر که تمام قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی جامعه را در بیش از چهل سال گذشته در اختیار داشته اند تبدیل کرد.

در تمام عرصه های این مبارزه باید در پیشبرد مطالبات دفاع از محیط زیست فعالانه کوشید و با مشارکت در این مبارزات ابتکار عمل را از چنگ گرایشاتی که مخالف تخریب محیط زیست هستند ولی در عین حال نه تنها مدافع سیستم سرمایه داری هستند بلکه در متوهم ساختن افکار عمومی مبنی بر اینکه تخریب محیط زیست رابطی با عملکرد سیستم سرمایه داری ندارد، دخیل هستند در آورد.

دستیابی به عدالت در خصوص محیط زیست همانند دیگر اهداف عدالت جویانه، هم در مقیاس محلی و هم در مقیاس جهانی بدون سوسیالیسم کاملاً غیر قابل تصور است، ولی در عین حال برای بهبود بخشیدن به قوانین و برنامه های به اصطلاح "سبز" در فرم اقدامات کوتاه مدت و بلندمدت هم باید مبارزه کرد.

تنها فرقی که بین رژیم ایران و رژیمهای دولتهای صنعتی در دیگر کشورهای دنیا سر مسئله برخورد با مطالبات مردمی در رابطه با محیط زیست این است که رژیم مافیایی و هار ایران هیچ واژه ای از سرکوب اینگونه مطالبات و مبارزات ندارد ولی رژیمهای مسلط در کشورهای صنعتی در برخورد با مطالباتی که در واقع از طرف بخش عمده مردم این کشورها صورت می گیرد با ریاکاری و عوام فریبی خود را سبز معرفی می کنند ولی در واقع و در عمل مثل ذغال سنگ و نفت سیاه هستند.

باید توجه داشت که بازیابی سلامت محیط زیست با کاشتن درختان، پاک سازی رودها و دریاها، محافظت از حیات وحش، منع پلاستیک و محو گازهای گلخانه ای شروع و خاتمه

از سوخت های فسیلی به سوخت های پاک و پایدار برای آنها با افزایش مخارج زندگی همراه است باید به یک درخواست همگانی تبدیل شود.

– ما کمونیست ها مدافعین آگاه و متعهد طبقه کارگر و توده های زحمتکش معتقدیم مبارزه برای عدالت اجتماعی و عدالت محیط زیست امری همزاد است و درک میکنیم که دستیابی به این هدف نیازمند یک رویکرد چند جانبه است که هم عدالت اجتماعی را مد نظر دارد و هم عدالت زیست محیطی را از این رو مشارکت فعالانه در جنبش دفاع از محیط زیست بخشی از مبارزه و تلاش ما در راستای سوسیالیسم و علیه سیستم منحط سرمایه داری خواهد بود.

گرامی باد یکصد و چهارمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر



نمی یابد. بحران محیط زیست معضلی پیچیده و آمیخته با نابرابری ها و بی عدالتی های اجتماعی است. هر چقدر فاصله طبقاتی در جامعه بیشتر و ظلم و خفقان گسترده تر، بهمان اندازه هم آلودگی های غذایی، سوء استفاده از منابع طبیعی، و تخریب محیط زیست افزونتر و بیشترین قربانیان تأثیرات زنجیره ای فاجعه های طبیعی در میان اقشار فقیر و کم در آمد جامعه خواهد بود.

به این دلایل ما اعلام می کنیم که

– تلاش برای ارتقاء اعتراضات علیه تخریبات زیست محیطی به اعتراض بر علیه کلیت رژیم جمهوری اسلامی به عنوان عامل اصلی این بحران و همچنین به منظور فرا رفت از سیستم سرمایه داری در تمام اشکال آن در ایران به عنوان آن زیرساخت اقتصادی و اجتماعی که تخریب محیط زیست را نه تنها ممکن بلکه لازم و ناگزیر می سازد وظیفه تمام اعضا، فعالین و هواداران سازمان است.

– با بسیج فعالین دیگر جنبش های توده ای، امر دفاع از محیط زیست و مطالبات دور و نزدیکش را، امری توده ای کنیم و با بردن بحث های روشنگرانه در میان توده ها، هم به شناخت منشاء و مبدا اصلی تغییرات مخرب محیط زیست در افکار عمومی کمک خواهیم کرد و هم در ترویج و ایجاد فرهنگی مبتنی بر ترجیحات مصرفی سازگار با محیط زیست نقش خواهیم داشت.

– خواست ما این است که آری، مسائل زیست محیطی باید حل شود ولی تمامی فعالیتها در جهت حل این مسائل باید همزمان تولید شغل و درآمد برای بیکاران را تضمین کرده و هیچ سودی از این فعالیت های اقتصادی نباید به جیب اشخاص و نهادهای خصوصی وارد شود.

– پرداخت جبران اقتصادی مناسب به آن گروه از مردم جامعه که در ایجاد مشکلات زیست محیطی نقشی نداشته اند ولی حل این مسائل و همچنین تبدیل سوخت مصرفی جامعه

قطعهنامه روابط بین‌المللی سازمان مصوبه کنگره هفتم

اعتقاد به انترناسیونالیسم پرولتری و مبارزه عملی حول آن یکی از وظایف روزمره و همیشگی جنبش انقلابی طبقه کارگر است. با در نظر گرفتن این واقعیت که در دوران کنونی مبارزه طبقه کارگر کشورهای مختلف بیش از پیش بهم پیوند خورده است و مبارزات روزمره آنها بصورت پروسه واحدی علیه نظام جهانی سرمایه تجلی می‌یابد، هیچ جنبش انقلابی کارگری و سازمان سیاسی پیشرو آن نمی‌تواند عامل بین‌المللی را در تعیین خط مشی سیاسی و محاسبات توازن قوای طبقاتی نادیده بگیرد و از حمایت هم طبقه ای‌های خود در پیشبرد جنبش انقلابی در درون کشور چشم‌پوشد. بنابراین و نظر به برنامه و مصوبات کنگره‌های پیشین سازمان درباره اهمیت وظایف انترناسیونالیستی و پیوند با طبقه کارگر و احزاب و سازمان‌های پیشرو کارگری و کمونیستی در سطح جهان،

کنگره هفتم سازمان رهبری منتخب خود را موظف میدارد که:

- ۱- با تقویت ارگان روابط بین‌الملل ارتباطات و همکاری‌های تاکتونی در سطح بین‌المللی را گسترش دهد.
- ۲- وضعیت اقتصادی و سیاسی کشور و مبارزات و مطالبات کارگران را به اطلاع جنبش کارگری، احزاب و سازمان‌های کمونیستی، کارگری و انقلابی سایر کشورها برساند.
- ۳- ارتباط ویژه‌ای در جهت اطلاع‌رسانی متقابل و کمک و همیاری با احزاب و سازمان‌های انقلابی و جنبش‌های انقلابی کارگری و مترقی کشورهای همسایه و منطقه برقرار سازد و تحلیل و ارزیابی آنها را در انتشارات سازمان منعکس کند.
- ۴- در سمینارها، گردهمائی‌ها و اعتصابات و تظاهرات کارگران و آکسیون‌های ضد سرمایه‌داری و پیشرو کشورهای مختلف مداخله کرده و در حد امکان در آنها شرکت نمایند و با حفظ استقلال و اتحاد و انتقاد، به وظیفه انترناسیونالیستی سازمان مادیت بخشد و از طریق تبلیغات آگاه‌گرانه پشتیبانی آنها را از مبارزات کارگران ایران جلب بنماید.
- ۵- جهت‌گیری‌ها و سیاست‌های احزاب مختلف در رابطه با تحولات کشورشان را دنبال کرده اخبار و تجربیات آنها را با اطلاع جنبش کارگری و انقلابی ایران و اعضا و فعالین سازمان برساند.
- ۶- در بخش بین‌الملل سایت سازمان علاوه بر انعکاس مقالات رسیده به زبان‌های دیگر، ترجمه اسناد و مواضع سازمان و بخش منظم آن در بین احزاب و فعالین جنبش کارگری و احزاب و سازمان‌های انقلابی مرتبط را گسترش دهد.
- ۷- سمینارهای مشترکی بمنظور تبادل نظر با احزاب و سازمان‌های مرتبط درباره مسائل مبرم بین‌المللی برگزار گردد.

قطعه‌نامه درباره تشدید ستم و تبعیض مضاعف جنسی و جنسیتی در جامعه

زندانیان، اعدام و آزار و اذیت جنسی در محل کار و زیست و خانه و مدرسه در ایران جمهوری اسلامی زده مبین این واقعیت است.

کنگره هفتم سازمان باتصویب این قطعه‌نامه رهبری منتخب اعضای سازمان را موظف میدارد

۱. مصوبات سازمان و خطی ومشی آن در مبارزه علیه تبعیضات جنسی و جنسیتی را بیش از همیشه و در سطوح مختلف پیگیرانه به مورد اجرا بگذارند.

۲. از طریق تبلیغ و ترویج و روشنگری در جامعه، بویژه در درون طبقه کارگر و زحمتکشان به ارتقاء سطح آگاهی آنها نسبت به تبعیضات جنسیتی و تبعیض مضاعف بر زنان و راه حل های قطعی پایان دادن به این ستمگری ها یاری رسانند.

۳. در محیط کار، محله و خانواده و سازمان ها، شکل ها و محافل و مجامع مختلف و هر جا که حضور دارند با جلوه های مردسالاری و تبعیضات جنسی و جنسیتی به مقابله بپردازند و محافظه کاری در این زمینه را محکوم بکنند.

۴. از حقوق دگرباشان جنسی دفاع کرده و از خواست ها و مطالبات آنها حمایت بکنند و به مبارزه آنها یاری برسانند.

۵. ضمن تبلیغ و ترویج راه حل سوسیالیستی برای پایان

۱ - در سالهای اخیر تعمیق شکاف طبقاتی ناشی از تداوم و تشدید بحران های سرمایه داری و همزمان شیوع ویروس کرونا تاثیرات اقتصادی و اجتماعی آن در جوامع مختلف، بیش از پیش زمینه رشد جریانات راست افراطی، فاشیسم و نژادپرستی و ناسیونالیسم و مذهب را بوجود آورده و به گسترش بی سابقه ستم مضاعف بر زنان و تبعیضات جنسی و جنسیتی دامن زده است.

۲ - ستم ها و تبعیضات جنسی و جنسیتی محصول نابرابری های اقتصادی و اجتماعی و سخت جانی سنت های ارتجاعی مردسالار و قوانین و محدودیت های مذهبی در جامعه است که در نظام سرمایه داری بازتولید و تداوم می یابد. از این رو مبارزه علیه تبعیضات جنسی و جنسیتی جدا از مبارزه علیه نظام منحل سرمایه داری نیست.

۳ - در ایران که طبقه حاکم با تلفیق دین و دولت و سرکوب ابتدائی ترین آزادی های سیاسی و حقوق مدنی به انباشت سرمایه و ثروت مشغول است، از یک طرف با اعمال قوانین زن ستیز و تقویت سنت های ارتجاعی مردسالار و تعیین جرم های سنگین برای زنان و دگرباشان جنسی به اعمال خشن ترین ستم و تبعیض جنسیتی مشغول است و از طرف دیگر با اشاعه خرافات مذهبی و سنت های ارتجاعی، فرهنگ مردسالاری در جامعه را تشویق و حمایت میکند. دست مردان در خانواده و محل کار و زیست را برای اعمال تبعیض و نفی حقوق زنان و دگرباشان باز و آنها را برای اعمال جنایتکارانه و قتل و کشتار ترغیب می نماید.

امار بالای قتل زنان بدست مردان خانواده، خودکشی،



اطلاعیه برگزاری پلنوم اول شورای مرکزی منتخب کنگره هفتم

بعد از پایان کنگره هفتم سازمان که در آستانه صد و چهارمین سالگرد انقلاب اکتبر برگزار گردید، شورای مرکزی منتخب کنگره هفتم، اولین پلنوم خود را تشکیل داد.

در این پلنوم ضمن تعیین سیاست حاکم بر نشریه، سایت اصلی سازمان و شبکه های اجتماعی، هیئت سیاسی، مسئول هماهنگی شورای مرکزی و اعضای تحریه ارگان مرکزی سازمان انتخاب شد. همچنین پلنوم با تعیین وظائف سیاسی، تشکیلاتی، تبلیغاتی و تدارکاتی تا پلنوم بعدی اجلاس خود را به پایان رساند.

شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
۲۰ مهر ۱۴۰۰

دادن به هرگونه ستم و تبعیض و نقد جریانات بوزوئی، درعین حال ازمشکل شدن این ستمدیدگان درسازمانها وتشکل های خود، مادام که دارای مضمونی انقلابی و ترقی خواهانه داشته باشد حمایت کنند و آنها را تشویق و ترغیب بکنند که برای مبارزه اصولی با تبعیضات جنسی و جنسیتی به سازمانها واحزاب انقلابی و کمونیستی بپیوندند که علاوه برتلاش ومبارزه برای رفع ستم جنسیتی درشرایط کنونی، پایان دادن قطعی به هرگونه نابرابری و ستم و تبعیض خواهان سرنگونی نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم هستند.

۶. از طریق انتشارمقالات برگزاری جلسات ، سخنرانی و گفتگو ی عمومی و یا درخانواده ها و مراکز و مجامع کارگری و توده ای و گروه های اینترنتی ابعاد مختلف و دلایل پایه ای تداوم ستم های جنسی و جنسیتی را باز بشکافند و کمک کنند تا سطح آگاهی عموم مردم درباره ماهیت انسان ستیز اعمال تبعیض و ستم جنسی و راه مبارزه با آن ارتقاء یابد.

کار کمونیستی آخر هرماه زیر نظر هیئت سیاسی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست منتشر می شود .

از طریق ایمیل ادرس زیر نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را با در میان بگذارید .

kar@fedayi.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

کمیته کردستان

Kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

کمیته تهران

Tehran@fedayi.org

کمیته کرچ

karj@fedayi.org

ما کمونیست های فدائی چه در درون سازمان و چه در بیرون از آن . همیشه این بحث عمومی را دنبال کرده ایم که چگونه می توان ساختمان حزب . برنامه . اساسنامه . سبک کار . استراتژی و را با یک ارزیابی انتقادی از گذشته تاریخی . از بحران ها و از شکست ها و پیروزی های جنبش کارگری و مبارزات طبقاتی نویسی کنیم . بنابراین بازنگری به گذشته را بهمانه چراغ راه آینده برای واقعی بودن و نتیجه بخش بودن هر برنامه و اقدامی ضروری می شماریم .

کار . مسکن . آزادی . جمهوری فدائیان شورانی !